

نوع مقاله: پژوهشی

مقایسه همه‌پرسی استقلال کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا

محمد حسن زاده^۱، قربانعلی قربانزاده سوار^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

چکیده

یکی از خواسته‌های اقلیت‌های قومی و زبانی در برخی کشورها، استقلال سیاسی است. کردها و کاتالان‌ها در عراق و اسپانیا، از جمله این اقلیت‌ها هستند که همه‌پرسی استقلال را در سال ۱۳۹۶ هجری شمسی (۲۰۱۷ میلادی) برگزار کردند. پژوهش حاضر با طرح این پرسش که «همه‌پرسی استقلال کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا در سال ۱۳۹۶ شمسی برابر با ۲۰۱۷ میلادی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی به لحاظ زمینه، فرایند، نتیجه، و پیامد دارند؟»، در پی یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو همه‌پرسی از ابعاد گوناگون بود که با کاربرد روش تحلیلی-مقایسه‌ای به این نتیجه رسید که دو همه‌پرسی از جنبه‌ زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی شکل‌گیری، دارای شباهت‌های محدود و تفاوت‌های فراوانی هستند. به لحاظ فرایند برگزاری، هر دو با سازوکار مشابهی آغاز شدند، اما در فرایند برگزاری، به دلیل رفتار متفاوت دو دولت مرکزی عراق و اسپانیا با آن‌ها، تفاوت شدیدی یافتند. به لحاظ نتیجه نیز دو همه‌پرسی از نظر نسبت آرای مثبت به استقلال، مشابه هستند. به لحاظ پیامد، هر دو منطقه کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا، با پیامدهای منفی مشابهی مانند انزوای سیاسی، عدم حمایت بین‌المللی، مشکلات اقتصادی، و... روبه‌رو بوده‌اند، اما از چشم‌انداز چگونگی و میزان تأثیر هر یک از این پیامدها در سه سطح محلی، ملی، و بین‌المللی، تفاوت دارند که ناشی از مجموعه مؤلفه‌های درون‌سیستمی مانند شرایط داخلی کردستان/عراق و کاتالونیا/اسپانیا، همچنین مؤلفه‌های برون‌سیستمی مانند منافع قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در این دو حوزه همه‌پرسی است.

واژگان کلیدی: همه‌پرسی، خودمختاری، استقلال، نظام فدرال، کردستان عراق، کاتالونیای اسپانیا.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده

مسئول)

hasanzadeh1324@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران a.savar@yahoo.com

Comparison of Independence Referendum in Iraqi Kurdistan and Spanish Cataloni

Mohammad Hassanzadeh¹, Ghorban-Ali Ghorbanzadeh Savar²

Abstract

One demand of ethnic and linguistic minorities in some countries is political independence. Kurds and Catalans in Iraq and Spain are among the minorities who held the independence referendum in 2017. The present study compares the two referendums regarding the fields, process, results, and outcomes. In various dimensions, using the analytical-comparative method, the findings show few similarities and significant differences between the two referendums in terms of historical, political, economic conditions. In terms of the holding process, both started with the exact mechanism, but during the holding, they differed sharply due to the different approaches of the two central governments of Iraq and Spain. In terms of results, the two referendums are similar regarding the ratio of positive votes to independence. In terms of outcome, both Iraqi Kurdistan and Spanish Catalonia faced similar negative consequences such as political isolation, lack of international support, economic problems, etc. Still, there is no consensus on how and to what extent these consequences affected local, national, and international levels. They are different due to the set of intra-systemic components such as the internal situation of Kurdistan/ Iraq and Catalonia/ Spain and extra-systemic components such as the interests of regional and global powers in these two areas of the referendum.

Keywords: Referendum, Autonomy, Independence, Federal System, Iraqi Kurdistan, Spanish Catalonia

1. Master Student of political science, Imam Khomeini International University (Corresponding Author)

hasanzadeh1324@gmail.com

2. Assistance professor of political science, Imam Khomeini International University

مقدمه

در پاییز ۱۳۹۶ شمسی برابر با ۲۰۱۷ میلادی، دولت اقلیم کردستان عراق و دولت خودمختار کاتالونیای^۱ اسپانیا، با وجود مخالفت حکومت مرکزی دو کشور و نظام بین‌المللی، همه‌پرسی استقلال را برگزار کردند که رخداد این دو پدیده هم‌زمان در دو منطقه جغرافیایی متفاوت جهان، از ابعاد گوناگونی قابل تحلیل است. در کشورهای دارای تنوع قومی و زبانی مانند عراق و اسپانیا، بین‌نخبگان و فعالان سیاسی اقلیت‌ها با اکثریت، در زمینه حق و حقوق اقلیت، از جمله حق تعیین سرنوشت، کشمکش وجود دارد. در مجامع بین‌المللی نیز از یک سو، بر حق تعیین سرنوشت اقلیت‌ها و از سوی دیگر، بر حق حاکمیت ملی کشورها تأکید می‌شود. اقلیت‌ها برای بیان، پیگیری، و تحقق خواسته‌های خود از روش‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند که شاید همه‌پرسی، کم‌هزینه‌ترین و دموکراتیک‌ترین این روش‌ها باشد. دو همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا با رأی مثبت اکثریت شرکت‌کنندگان برگزار شد، اما هیچ‌یک از آن‌ها به نتیجه دلخواه نرسید و به لحاظ بین‌المللی با واکنش مثبتی روبه‌رو نشد. با توجه به اینکه این دو رخداد، هم‌زمان و در فضای بین‌المللی یکسانی در دو نقطه از جهان، اتفاق افتاد که شرایط سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی متفاوتی دارند، فهم تفاوت و تشابه آن‌ها، زمینه درک بهتر مسئله حقوق اقلیت‌ها در کشورهای گوناگون را فراهم می‌کند و پژوهش حاضر نیز در پی یافتن همسانی‌ها و ناهمسانی‌های این دو همه‌پرسی در ابعاد مختلف است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که «همه‌پرسی استقلال کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا در سال ۲۰۱۷ به لحاظ زمینه‌ها، فرایند، نتایج، و پیامدها چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟»

بر پایه فرضیه پژوهش، «مهم‌ترین شباهت‌های دو همه‌پرسی استقلال کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا، نخست رأی مثبت اکثریت شرکت‌کنندگان به آن و سپس، مخالفت جهانی و منطقه‌ای با برگزاری آن‌ها و همچنین پیامد آن‌ها، یعنی انزوای دو حکومت منطقه‌ای کاتالونیا و اقلیم کردستان بود. مهم‌ترین تفاوت آن‌ها نیز زمینه‌های شکل‌گیری و فرایند برگزاری و شیوه برخورد دولت‌های مرکزی پس از برگزاری همه‌پرسی بود که این همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها، ناشی از مؤلفه‌های درون‌سیستمی و برون‌سیستمی در دو همه‌پرسی یادشده است.»

1. Catalonia

روش پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای اسنادی و به‌لحاظ ماهیت نیز توصیفی-تحلیلی-مقایسه‌ای است.

۱. پیشینه پژوهش

منابع منتشرشده درباره موضوع پژوهش، جنبه‌های گوناگون زندگی و فعالیت کردهای عراق و کاتالان‌های اسپانیا را بررسی کرده‌اند که در این بخش مرور شده‌اند.

ابالاس در کتاب خود با عنوان «جنبش کردها» (Abalas, 1998)، فراز و فرود و سیر تحول این جنبش را از دوران شکل‌گیری دولت عراق تا ۱۹۹۱ میلادی بررسی کرده است. دورتی در کتاب خود با عنوان «سرزمین و مردم اسپانیا» (Dorty, 1968) به بررسی ابعاد مختلف کشور اسپانیا و زمینه‌های گوناگون تاریخی و جغرافیایی آن پرداخته است. آشوری در کتاب خود با عنوان «هویت ملی و پروژه ملت‌سازی» (Ashouri, 2009) به فرایند تکوین هویت ملی پرداخته است. ارفع در کتاب خود با عنوان «کردها؛ یک بررسی تاریخی و سیاسی» (Arfa, 2003)، موضوع کردهای ایران، ترکیه و عراق را بررسی کرده است. علی محمود در کتاب خود با عنوان «که تولنیا و کوردستان له پایزیکی گرمدا» (Ali Mahmoud, 2017) به زبان کردی و در قالب روایت، دگرگونی‌های پیش و پس از همه‌پرسی کردستان عراق را واکاوی کرده است. آلیس در کتاب خود با عنوان «خواسته کردها برای تشکیل دولت و آینده کردها» (Alice, 2007)، دلایل گرایش کردها به تشکیل کشور کردستان را بررسی کرده است.

زحمتکش و حکمت‌نژاد در مقاله‌ای با عنوان «کالبدشکافی جنبش فرهنگی، زبانی، و سیاسی کاتالونیا» (Zahmatkash, & Hekmatnejad, 2014)، روند شکل‌گیری این جنبش را واکاوی کرده‌اند. زرگر در یک مقاله خود با عنوان «کاتالونیای مبارز و ملت‌سازی‌های نوین در اروپا با سازوکار همه‌پرسی» (Zargar, 2006) موضوع ملت‌سازی کاتالان‌ها از طریق همه‌پرسی و در مقاله دیگر خود با عنوان «باید و نبایدهای جدایی اقلیم کردستان عراق در حقوق بین‌الملل» (Azizi, 2017) با استناد به آرای علمای حقوق بین‌الملل، موضوع مشروعیت استقلال اقلیم کردستان را بررسی کرده است. سیمبر در مقاله خود با عنوان «ملت‌های بدون کشور در جامعه جهانی» (Simbar, 1999)، روش تبدیل خواسته فرهنگی به سیاسی را در ملت‌های بی‌دولت بررسی کرده است. خسروی در مقاله

خود با عنوان «مروری بر گرایش‌های جدایی‌طلبانه در اروپا؛ ریشه‌ها و روندها» (خسروی، ۱۳۹۵) به فعال شدن گسل‌ها و شکاف‌های هویتی در جهان توسعه‌یافته و چگونگی تبدیل مسئله جدایی‌طلبی به مسئله بین‌المللی پرداخته است. عابدی در یک مقاله خود با عنوان «نگاهی به مواضع غرب در برابر همه‌پرسی کردستان عراق» (Abedi, 2017A) و در مقاله‌ای دیگر با عنوان «روسیه و همه‌پرسی اقلیم کردستان» (Abedi, 2017B)، نقش کشورهای گوناگون، از جمله روسیه را در همه‌پرسی اقلیم کردستان تحلیل کرده است و امیدی در مقاله خود با عنوان «قبض و بسط حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل» (Omidi, 2006) به بررسی موضوع حق تعیین سرنوشت از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته است.

اردلان در پایان‌نامه خود با عنوان «رؤیای دولت کرد» (Ardalan, 1996) ضمن بررسی این مسأله با توجه به شرایط داخلی کردها و محیط خارجی و منطقه‌ای بر این نظر است که امکان تشکیل دولت مستقل کرد وجود ندارد. قربانی‌نژاد در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوی خودمختاری و فدرالیسم» (Ghorbaninejad, 2008)، الگوهای خودمختاری و فدرالیسم را توضیح داده است.

با مرور منابع موجود درباره موضوع پژوهش درمی‌یابیم که پژوهش مستقلی در راستای مقایسه دو همه‌پرسی استقلال کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا منتشر نشده است؛ از این رو، رسالت پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای کامل این دو رخداد در حد توان است، زیرا با توجه به اینکه ایران دارای تنوع قومی و مذهبی است، آگاهی از زوایای این دو همه‌پرسی - از نحوه شکل‌گیری تا رفتار دولت‌های متبوع و منطقه و جهان به آن‌ها - برای نظام سیاسی و فعالان اقلیت‌ها ضروری است.

۲. مفاهیم پژوهش

واژه «همه‌پرسی» که معادل رفراندوم^۱ در زبان انگلیسی و معادل عربی «استفتاء‌الامه» است، در فارسی به معنای نظرخواهی عمومی و مراجعه به آرای عمومی برای پذیرفتن یا نپذیرفتن امری است (Moin, 2002). این اصطلاح به لحاظ حقوقی به معنای مراجعه به آرای عمومی و مشورت مستقیم با مردم در مورد وضع قانون یا تغییر و اصلاح آن و همچنین، کسب نظر شهروندان درباره مسائل

1. referendum

مهم مملکتی است (Ghazi Shariat Panahi, 2001: 135). فلسفه مراجعه به همه‌پرسی، احترام به حق حاکمیت مردم و زمینه‌سازی برای مشارکت فعال آنان در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی است (Imani, 2000: 5). این حق در اسناد بین‌المللی ای همچون منشور سازمان ملل، اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملت‌ها، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، قطعنامه‌های سازمان ملل، رویه دولت‌ها و قوانین اساسی ملت‌های متمدن، افکار عمومی، نهادهای مدنی جهانی، و همچنین، در قوانین داخلی از جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۶، بند ۳ اصل ۱۱۰ و ذیل اصل ۱۷۷) پذیرفته شده است. امروزه بیشتر شهروندان در مسائل گوناگون، تصمیم غیرمستقیم می‌گیرند، یعنی این کار را با انتخاب رئیس‌جمهور یا نماینده مجلس انجام می‌دهند، اما در بعضی از موارد، مردم به‌طور مستقیم در مورد مسئله خاصی تصمیم می‌گیرند که به آن، «همه‌پرسی» می‌گویند. این روش در دولت‌شهرهای یونان باستان کاربرد داشته و کانون‌های سوئیس امروزی نیز از آن استفاده می‌کنند. همه‌پرسی، انواع گوناگونی از جمله تقنینی و سیاسی (پیوستن یا جدایی از یک کشور، ...) دارد (Ashouri, 1999).

واژه «استقلال»، از باب «استفعال» با واژه‌هایی مانند قلیل، قلت، و تقلیل مرتبط است که به معنای کم کردن و به حداقل رساندن است (Moin, 2002). تعریف مفهومی این واژه نیز قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت است (Aqabakhshi, 1997: 277). براین اساس، چنانچه ملتی بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی، برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی‌ای را برای خود تدوین کند، آن را ملت مستقل می‌نامند.

واژه «خودمختاری» در لغت به معنای جدایی‌خواهی و آزادی عمل و خودگردانی و در اصطلاح، استقلال محدود واحد سیاسی در اداره امور خود است (Moin, 2002). در تقسیمات داخلی کشورها، خودمختاری، صفت و ویژگی آن‌دسته از استان‌ها یا ایالت‌ها است که به دلیل شرایط ویژه قومی، نژادی، مذهبی، و... استقلال محدود داخلی دارند، ولی در امور مربوط به سیاست خارجی دفاعی، تابع حکومت مرکزی هستند (Ghorbaninejad, 2008: 20).

واژه «فدرالیسم»، برگرفته از واژه لاتین "foedus" به معنای عهد، پیمان، و قول و قرار است که طرفین در آن، پیمان تعهدآوری را منعقد می‌کنند تا ضمن حفظ هویت و جامعیت فردی خود،

هستی جمعی نوینی را بیافرینند (Ansari, 1999: 23). البته امروزه دولت‌های فدرال از دو طرف در معرض تهدید هستند: نخست، فرایند جهانی شدن که نیروهای گریز از مرکز را تقویت می‌کند و دوم، تلاش برای بازیابی هویت و حق تعیین سرنوشت اقلیت‌ها که بر مرکز فشار وارد می‌کند (Imani, 2000: 102). ایده فدرالیسم، برای حل صلح‌آمیز نابرابری‌ها در کشور با تغییر در ساختار حکومت است، بی‌آنکه شیرازه امور گسسته شود (Bahrapour, 1993: 5). نظام فدرال، گونه‌ای از حکومت‌های غیرمتمرکز است که قدرت سیاسی در آن بین حکومت مرکزی و زیرمجموعه‌های آن تقسیم می‌شود (Khoobrooyi, 1998: 27).

۳. عراق و همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق

کشور عراق با نام رسمی «جمهوری عراق» در جنوب غربی آسیا واقع است. پایتخت عراق، شهر بغداد است. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در بخش جنوبی خود، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد (Ahmadi, 2005: 26). این کشور با ۳۲'۵۸۵'۶۹۲ نفر جمعیت (آمار ژوئیه ۲۰۱۴ میلادی)، چهارمین کشور جهان به لحاظ تعداد جمعیت است. ترکیب جمعیتی این کشور نیز به شکل زیر است:

عرب‌ها (۷۵ تا ۸۰ درصد)، کردها (۱۵ تا ۲۰ درصد)، ترکمن‌ها، آشوریان و اقوام دیگر (۵ درصد)؛ همچنین، حدود ۶۰ تا ۶۵ درصد مردم آن شیعه، ۳۲ تا ۳۷ درصد سنی و ۳ درصد مسیحی و پیرو ادیان دیگر هستند.

عراق از سال ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۳ میلادی توسط حزب بعث اداره می‌شد و پس از آن، نظام چندحزبی پارلمانی در این کشور برقرار شد (Isa Saleh, 2000: 55). در سال ۲۰۰۳ میلادی، ساختار حکومتی آن، فدرال و قانون اساسی این کشور نیز در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ میلادی تصویب شد و در نتیجه امروز در زمره نظام‌های مردم‌سالار است (Barzegar, 2006: 15).

دو واژه «کرد» و «کردستان» در ادبیات مربوط به کردستان، دارای بار معنایی ویژه‌ای هستند. واژه «کردها» نشان‌دهنده چندپارگی فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی جمعیتی است که در مناطق کردنشین سکونت داشته‌اند، اما کاربرد واژه کردستان با پسوندهای گوناگون شمالی و جنوبی آن،

دارای بار ایدئولوژیک بوده و به جمعیت و سرزمینی گفته می‌شود که بین کشورهای گوناگون منطقه شامل ترکیه، ایران، عراق، سوریه، ارمنستان، و آذربایجان پراکنده هستند. فعالان سیاسی کرد و مبارزان هواخواه آن‌ها، واژه کردستان را به جای کردها به کار می‌برند و در بسیاری از مواقع، مخالفان برای نشان دادن تفاوت‌های فرهنگی و تنوع تاریخی آن‌ها، از واژه کردها استفاده می‌کنند (Abalbas, 1998: 24). زبان کردی در واقع، زبان یگانه‌ای نیست، بلکه مجموعه زبان‌های مستقل سورانی، کرمانجی، و... را دربر می‌گیرد که کردی نامیده می‌شود (Wassily 1999: 35).

کردها که در قالب ۸۰۰ قبیله در مناطق کردنشین امروزی سکونت دارند، به نام «کرد» معروف نبودند و عرب‌ها پس از چیرگی بر این منطقه در قرن هفتم میلادی، قبایل بومی را کرد نامیدند. واژه کردستان از قرن دوازدهم میلادی رواج یافت که سلطان سنجر، ایالتی را به نام کردستان نام‌گذاری کرد (McDowell, 2004: 17). در کتاب‌های مقدس و روایت‌های تاریخی به مردمان مناطق کردنشین با عنوان‌های گوناگونی اشاره شده است و همواره از عرب‌ها متمایز بوده‌اند. کردها دارای تفاوت دینی و مذهبی بوده و اکثریت آن‌ها پیرو دین اسلام هستند. مذهب اغلب کردهای مسلمان، تسنن است و جمعیت شافعی آن‌ها بیش از حنفی‌ها است. تعداد کردهای مسیحی، یهودی، اهل حق، علوی، و یزیدی این کشور اندک است.

یکی از مسائل قابل توجه در مورد این گروه، وجود درگیری‌های درونی میان آن‌ها است که از دید تحلیلگران، درگیری دو جریان عمده شمال عراق بیش از آنکه ناشی از ستیزه‌های ایدئولوژیک باشد، ناشی از تفاوت قومی و عشیره‌ای دو جریان بارزانی و طالبانی است. امروزه حزب دموکرات کردستان عراق، اتحاد میهنی کردستان عراق، جنبش تغییر، اتحاد اسلامی کردستان، جماعت اسلامی کردستان، و تعدادی احزاب کوچک در صحنه سیاسی منطقه کردستان حضور دارند.

کردستان عراق از دهه ۱۹۷۰ با عنوان اقلیم خودمختار کردستان و در پی پیمان خودمختاری میان حکومت عراق و رهبران کرد عراقی، استقلال یافت و شورای قانون‌گذاری در شهر اربیل با اعتبار اسمی در مناطق کردنشین اربیل، دهوک، و سلیمانیه تأسیس شد. درگیری‌های نظامی گسترده میان کردهای خواهان خودمختاری و نیروهای حکومت عراق تا خیزش سال ۱۹۹۱ در عراق تداوم یافت و مسئله تأمین امنیت پناهجویان کرد، موجب صدور قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و در نتیجه، توجیه عملیات تأمین آسایش به منظور تأمین امنیت اقلیم کردستان عراق در

جریان حملات نیروی هوایی شد. منطقه پرواز ممنوع، دهوک و اربیل را پوشش می‌داد، اما سلیمانیه و کرکوک را دربر نمی‌گرفت. این مسئله، زمینه‌ساز بروز زنجیره درگیری خونین بعدی میان نیروهای عراقی و نیروهای کرد شد. عراق، نیروهای نظامی و کارمندان حکومتی خود را از اکتبر ۱۹۹۱ میلادی از منطقه خارج کرد. از آن زمان، کردستان عراق، از کنترل بغداد خارج و به منطقه مستقل دوافکتو تبدیل شد و پرچم و سرود ملی ویژه خود را برگزید و انتخابات پارلمانی را در سال ۱۹۹۲ میلادی برگزار کرد (Karami, 1997: 72). دولت اقلیم کردستان از نوع چندحزبی پارلمانی است و احزاب حاضر در صحنه سیاسی کردستان به ترتیب میزان رأی در پارلمان در سال ۲۰۱۷ عبارتند از:

۱. حزب دموکرات کردستان عراق؛

۲. جنبش تغییر؛

۳. اتحاد میهنی کردستان عراق؛

۴. اتحاد اسلامی کردستان؛

۵. جماعت اسلامی کردستان؛

۶. تعدادی احزاب کوچک و همچنین ۱۱ کرسی که به اقلیت‌های ترکمن، آشوری، و کلدانی داده شده است.

در بین احزاب یادشده، حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی، بیشترین تلاش را برای برگزاری همه‌پرسی انجام داد (Rodavo News Agency, 2007).

کردها در کشور عراق پس از سال‌ها مبارزه، با کمک سازمان ملل، حکومت خودمختار را در سال ۱۹۹۱ در بخشی از مناطق کردنشین عراق ایجاد کردند و در سال ۲۰۰۳ و پس از سقوط صدام حسین و استقرار دولت فدرال در عراق، حقوق خود را در قانون اساسی عراق فدرال به تصویب رساندند. آن‌ها از همان زمان کوشیدند منطقه تحت کنترل خود را از جنبه‌های گوناگون گسترش دهند و مهم‌ترین دستاوردهای امنیت بود که یکی از مهم‌ترین مسائل دولت مرکزی عراق بود. همچنین، به لحاظ اقتصادی درصدد پیشرفت برآمدند و از نظر سیاسی، بسیاری از کشورهای جهان، کنسولگری خود را در اقلیم کردستان دایر کردند.

ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، پس از سقوط حکومت بعث و بنا به توافق بین نیروهای داخلی، از جمله شیعیان و کردها در راستای رفع تبعیض و ظلم‌های رژیم بعث، از جمله بازگرداندن املاک،

پرداخت غرامت، ایجاد فرصت‌های شغلی و حق اظهار هویت ملی و نژادی آزادانه، بازگرداندن مرزهای اداری استان‌های عراق به سال‌های پیش از روی کار آمدن رژیم بعث در سال ۱۹۶۸، و حل‌وفصل نهایی مشکل سرزمین‌های مورد اختلاف از جمله کرکوک تدوین شد (Abdullah, 2005: 19)، اما اختلاف اصلی دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان بر سر همین ماده ۱۴۰ قانون اساسی است.

سرنوشت کردهای عراق بیش از کشورها و قومیت‌های دیگر به اراده قدرت‌های خارجی بستگی دارد؛ از این رو، کردها می‌کوشند با استفاده از سلاح حقوق بشر و برانگیختن حمایت‌ها، وضع کنونی را نهادینه کنند (Jazayeri, 2017: 5). پیش از این همه‌پرسی، در سال ۲۰۱۴ نیز مسئولان ارشد اقلیم خودمختار کردستان عراق، تصمیم به برگزاری همه‌پرسی استقلال در این منطقه گرفته بودند که پس از گفت‌وگو بین مقامات کردستان عراق و دولت مرکزی، لغو شد (Ali Mahmoud, 2017: 55). به گفته کمیسیون برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان، بیش از پنج میلیون نفر در این مناطق، دارای شرایط رأی بودند که شامل کردهای ساکن در خارج از منطقه اقلیم نیز بود و دوروز پیش از آغاز رأی‌دهی حضوری، مقدمات فرایند رأی دادن الکترونیک آغاز شده بود. رأی‌دهندگان در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ باید از بین دو گزینه «بله» و «خیر»، یکی را انتخاب می‌کردند. پرسش اصلی این همه‌پرسی به چهار زبان کردی، ترکی، عربی، و آشوری این بود: «آیا شما می‌خواهید منطقه کردستان و مناطق کردنشین دیگر خارج از منطقه کردستان به یک کشور مستقل تبدیل شوند؟».

بر پایه گفته‌های فؤادحسین، رئیس دیوان اداری اقلیم کردستان، «براساس فرمان اقلیمی بارزانی در مناطق اقلیم کردستان و مناطق مورد منازعه که اکنون در اختیار کردها است، این پرسش طرح شده است: آیا خواهان تبدیل اقلیم کردستان و مناطق کردی خارج از اقلیم (مناطق مورد منازعه) به دولت مستقل هستید؟» (Ali Mahmoud, 2017: 55).

کمیسیون عالی انتخابات و همه‌پرسی اقلیم کردستان اعلام کرد، فرایند رأی‌گیری در ساعت ۱۹ به وقت اربیل پایان یافت و شمارش آرا آغاز شد. بر پایه نخستین آمار منتشر شده، میزان مشارکت، ۷۸ درصد اعلام شد (Rodavo News Agency, September 27, 2017). شبکه تلویزیونی

«ان‌آرتی» گزارش داد، برپایهٔ اعلام آریز عبدالله، عضو رهبری اتحادیه میهنی کردستان: «۱۸ سرکنسول کشورهای اروپایی در دیدار با دفتر سیاسی اتحادیه میهنی اعلام کرده‌اند، موضع رسمی کشور آن‌ها، عدم موافقت با جدایی اقلیم کردستان از عراق است».

مسکو مخالف تصمیم یک‌جانبه اربیل برای اعلام استقلال است و تنها در صورتی از آن پشتیبانی می‌کند که با رضایت بغداد باشد. جدایی کردها از کشور عراق، واکنش مثبت دمشق و تهران را نیز دریافت نکرد (Jazayeri, 2017: 20) و وزیر امور خارجه آلمان نیز گفت: «خدشه‌دار کردن یکپارچگی سرزمینی عراق یا تلاش برای ترسیم مرزهای جدید در این کشور، گام درستی نیست و سبب بدتر شدن اوضاع و بی‌ثباتی نه‌تنها بغداد، بلکه اربیل نیز خواهد شد».

وزارت امور خارجه آمریکا نیز از اعلام خبر برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، ابراز نگرانی کرد. در اطلاعیه این وزارتخانه آمده است: «دولت آمریکا از یک عراق دموکراتیک، باثبات، فدرال، و یکپارچه دفاع می‌کند» (Rodavo News Agency, September 24, 2017).

۴. اسپانیا و همه‌پرسی ایالت کاتالونیا

کشور اسپانیا، یکی از کشورهای اتحادیه اروپا است که تنوع زبانی زیادی دارد و افزون‌بر زبان رسمی آن، یعنی اسپانیولی، زبان‌های باسکی، کاتالانی، و گالیسی نیز از زبان‌های رایج در این کشور به‌شمار می‌آیند. اسپانیا از اواخر قرن پانزدهم تا قرن نوزدهم میلادی، یکی از قدرتمندترین امپراتوری‌های دوران خود بود که سخن گفتن مردم ۲۲ کشور جهان به زبان اسپانیولی، میراث آن امپراتوری است (Barazesh, 2010: 45). اسپانیا بیش از دو قرن، به‌شدت بی‌ثبات بود و بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹، جنگ داخلی وحشتناکی را تجربه کرد. پس از آن، ژنرال فرانکو با تفکر فاشیستی به قدرت رسید و با مشت آهنین بر کشور حکم راند. با مرگ فرانکو در سال ۱۹۷۵، خوان کارلوس اول آزادیخواه، از خاندان بوربون‌ها، به قدرت بازگشت و کشور را به سوی دموکراسی هدایت و قانون اساسی جدیدی را با حاکمیت سلطنت مشروطه بر آن حاکم کرد.

از آن‌پس کشور اسپانیا برپایهٔ قانون اساسی مصوب سال ۱۹۷۸ به ۱۷ ایالت خودمختار تقسیم شده و هر ایالت، دارای مجلس ایالتی و دولت محلی است. انتخابات مجالس ایالتی در

سطح هر ایالت برگزار می‌شود و همه احزاب در آن شرکت می‌کنند. دوره قانون‌گذاری در این کشور، چهارساله است، ولی در صورت درخواست رئیس دولت منطقه‌ای ممکن است پیش از زمان تعیین‌شده، منحل و انتخابات زودرس انجام شود. حوزه تصمیم‌گیری دولت‌های منطقه‌ای برپایه قانون اساسی، تنها مسائل ایالتی است و این مجالس حق تصمیم‌گیری در مورد مسائل عمده‌ای که بر شرایط کشور تأثیر بگذارد یا مسائل مرتبط با امور خارجی یا نظامی را ندارند. هر ایالت از یک تا چند استان (از مجموع ۵۲ استان کشور) تشکیل می‌شود (Barazesh, 2010: 112)؛ بنابراین، اسپانیا به چند شهر، استان، و جوامع خودمختار تقسیم شده است (Dorty, 1968: 146). اصل ۱۴۸ قانون اساسی اسپانیا، صلاحیت دولت‌های محلی را به شرح زیر مشخص کرده است:

«استفاده از زمین و ساختمان‌سازی، امور عامه و حمل‌ونقل، بنادر، کشاورزی، محیط زیست، معادن، توسعه اقتصادی، فرهنگ، گردشگری، امداد اجتماعی، بهداشت و امور انتظامی داخلی. تمامی این امور باید در چارچوب سیاست‌ها و قوانین کلی کشور، هدایت شده و تا زمانی معتبر هستند که با امور خارج از محدوده جامعه خودمختار، ارتباطی نداشته باشند».

در مورد صلاحیت دولت مرکزی اسپانیا در اصل ۱۴۹ آن قانون آمده است:

«در صورت بروز اختلاف در مواردی که در صلاحیت انحصاری دولت‌های محلی نیست، صلاحیت دولت مرکزی، بر صلاحیت دولت‌های محلی غالب خواهد بود. دولت‌های محلی، هنگام اعمال صلاحیت‌های تفویض شده به آن‌ها باید همواره چارچوب قوانین دولت مرکزی را در نظر داشته باشند» (Calmet, 1989: 77).

پیشینه تشکیل احزاب در اسپانیا به ربع آخر قرن نوزدهم مربوط می‌شود. در حال حاضر، حدود صد حزب ملی و منطقه‌ای و تشکل سیاسی بزرگ و کوچک، از راست افراطی تا چپ تندرو، در آن فعالیت دارند (Barazesh, 2010: 110-120). چند حزب مهم آن عبارتند از: حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا، حزب مردمی محافظه‌کار، حزب اتحاد و همگرایی، حزب چپ متحد، حزب ناسیونالیست باسک.

کاتالونیا یک منطقه خودمختار در شمال شرقی اسپانیا است که مرکز آن، شهر معروف بارسلونا است و به لحاظ مالی و بانکی و بندری، مهم‌ترین بخش خودمختار اسپانیا به‌شمار می‌آید. یکی از خواسته‌های دولت کاتالونیا در سال‌های اخیر، پرداخت مالیات کمتر به دولت مرکزی و تعیین

سقف مالیات توسط دولت محلی است. مردم این بخش، به زبان‌های کاتالان و اسپانیایی سخن می‌گویند، اما زبان غالب منطقه، کاتالانی است. تقریباً ۱۶ درصد جمعیت کشور اسپانیا را کاتالونیا تشکیل می‌دهد که خودمختاری آن در سال ۱۹۷۸ در قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. کاتالونیا از ثروتمندترین ایالت‌های کشور اسپانیا است که درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی کشور (حدود ۲۰ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد و یکی از صنعتی‌ترین بخش‌های اسپانیا به‌شمار می‌آید (Walordo, 1989: 50). جنبش کاتالان که در قرن ۱۸ میلادی شکل گرفت، در اوایل، جنبش زبانی‌فرهنگی، خواهان بازآفرینی زبان و فرهنگ کاتالان بود، اما از قرن ۱۹، خواسته استقلال سیاسی را پیگیری کرد.

اصطلاح کاتالان برای اشاره به مناطقی به‌کار می‌رود که مردم آن به زبان کاتالانی صحبت می‌کنند. اگرچه در میان این مناطق، تنها آندورا یک کشور به‌شمار می‌آید و مناطق دیگر، بخش‌هایی از فرانسه، ایتالیا، و اسپانیا هستند. هرچند در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، حزب سوسیالیست آزادی ملی به چند جناح گوناگون تقسیم شد، بسیاری از گروه‌های دیگر، از جمله سازمان مسلح «ترا لیور»^۱ به معنای «سرزمین آزاد»، با رویکرد مشابهی ایجاد شدند. این گروه مسلح، چند حمله را با هدف تشکیل حکومت مارکسیستی در کشورهای کاتالان انجام داد. «جنبش دفاع از سرزمین» در دهه ۱۹۸۰، بزرگ‌ترین گروه سیاسی طرفدار استقلال کاتالونیا بود، اما تا پایان دهه ۱۹۸۰ به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم شد. در طول دهه ۱۹۹۰، احزاب سیاسی موجود، از جمله حزب جمهوری خواه چپ کاتالونیا به تدریج به‌سوی موضع نیرومند پشتیبانی از استقلال پیش رفتند (Khosravi, 2014: 7).

کاتالونیا که در انتهای شمال شرقی شبه‌جزیره ایبری قرار دارد، یکی از هشت منطقه خودمختار اسپانیا است که بنا به وضعیت خودمختاری آن، به‌عنوان ملت تعیین شده است. این منطقه از شمال به فرانسه و آندورا، از شرق به دریای مدیترانه، از غرب به جوامع مستقل آراگون، و از جنوب به بخش خودمختار والنسیا محدود می‌شود. زبان‌های رسمی آن، کاتالان، اسپانیایی، و آرنی اکسیتان است. کاتالونیا از چهار استان بارسلونا، لریدا، خیرونا، و تاراگونا تشکیل شده است که پایتخت آن،

1. Terra lliure (TLL)

یعنی بارسلونا، دومین شهر پرجمعیت اسپانیا و هسته هفتمین منطقه پرجمعیت شهری در اتحادیه اروپا است (Walordo, 1989: 5).

کاتالونیا هفت میلیون و پانصد هزار نفر جمعیت دارد که بر پایه سرشماری سال ۲۰۰۹، ۴۶ درصد آن‌ها به زبان اسپانیایی، ۳۷ درصد به زبان کاتالان، و ۱۷ درصد به هر دو زبان سخن می‌گویند (Zargar, 2006: 2). بیشتر کاتالان‌ها در اسپانیا زندگی می‌کنند و تنها حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر در فرانسه، بیش از ۳۱۰۰۰ نفر در آندورا، و ۲۰۰۰۰ نفر در ایتالیا ساکن هستند. تعداد نامعلومی نیز در زمان امپراتوری اسپانیا، به قاره آمریکا رفته و کلونی‌های مهمی در شیلی، کوبا، پورتوریکو، و جمهوری دومینیکن ایجاد کردند. جنبش ناسیونالیستی کاتالونیا، در دوران رمانتیسیسم در میانه قرن نوزدهم متولد شد و همراه با جنبش ناسیونالیستی باسک، از جنبش‌های مقاومت در برابر گرایش‌های تمرکزگرایانه اسپانیا است. البته ناسیونالیسم کاتالونیا نه بر قومیت، بلکه بر زبان، فرهنگ، تاریخ، و سرزمین استوار است و از مذهب کاتولیک تأثیر پذیرفته است. این منطقه در دوره‌هایی به خودمختاری دست یافت، اما در دوران جنگ داخلی اسپانیا (از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹) خودمختاری آن افول کرد و در زمان فرانکو، در عمل، خودمختاری خود را از دست داد. رهبران ناسیونالیست کاتالونی در دهه ۱۹۷۰ فعالیت علنی خود را از سر گرفتند. نظام شبه‌فدرال اسپانیا در سال ۱۹۷۸، امتیازی بود که به‌ازای مشارکت ناسیونالیست‌های کاتالونیا و باسک در گذار به دموکراسی، به آن‌ها داده شد. کاتالونیا در سال ۱۹۷۹ به جایگاه تازه‌ای دست یافت. خوردی پوخول، بنیان‌گذار و رهبر حزب ناسیونالیست معتدل «همگرایی دموکراتیک کاتالونیا» در تمام انتخابات پس از سال ۱۹۸۰ به پیروزی دست یافت. این حزب خواستار این بود که اسپانیا، کاتالونیا را به‌عنوان یک ملت به رسمیت بشناسد. یکی از پیشنهادهای حزب یادشده این بود که اتحادیه اروپا، تنوع فرهنگی اعضای خود را محترم بشمارد. سرانجام، ایالت کاتالونیا در همه‌پرسی سال ۲۰۰۸، با رأی ۷۵ درصد مردم اسپانیا به خودمختاری بیشتری دست یافت. با وجود این، کسب این امتیاز مهم به معنای فروکش کردن عطش استقلال خواهی نبود (Zahmatkash, & Hekmatnejad, 2014: 2).

از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰، کاتالونیا شاهد رشد سریع اقتصادی‌ای بود که بارسلونا را به یکی از بزرگ‌ترین مناطق شهری صنعتی در اروپا تبدیل کرد. کاتالونیا در دوران انتقال به دموکراسی (۱۹۸۲-۱۹۷۵)، استقلال محلی چشمگیری در امور سیاسی، آموزشی، زیست‌محیطی، و فرهنگی

به‌دست آورد و به‌لحاظ مالی و بانکی و امور بندری، مهم‌ترین بخش خودمختار اسپانیا به‌شمار می‌آید که اکنون نزدیک به ۲۱ درصد تولید ناخالص ملی اسپانیا در آن فراهم می‌شود. یکی از خواسته‌های دولت کاتالونیا در سال‌های اخیر، پرداخت سهم کمتر مالیات به دولت مرکزی است، چون بر این نظر است که تعهدات مالی این ایالت به دولت مرکزی سبب شده است که کاتالونیا به‌رغم توان اقتصادی بالای خود، به بدهکارترین ایالت اسپانیا تبدیل شود (Walordo, 1989: 12).

خواست جدایی‌خواهی کاتالونیا به‌رغم زیان دیدن از شکست در برابر اسپانیا در سال ۱۷۱۴ و از دست رفتن استقلال نسبی در مناسبات با مادرید، ریشه‌ی دور و درازی ندارد. حتی سرکوب‌های دوران فرانکو و محدودسازی حقوق کاتالان‌ها هم چندان به جدایی‌طلبی دامن‌نزد. کاتالونیا در هماهنگی با دولت سوسیالیست وقت اسپانیا، قانون اساسی تازه‌ای را برای ایالت خود نوشت و در آن حقوق بیشتری را برای خود مصوب کرد. این قانون در یک همه‌پرسی به تأیید مردم کاتالونیا رسید اما حزب محافظه‌کار اسپانیا علیه این قانون به دادگاه قانون اساسی فدرال شکایت کرد و با رأی دادگاه، تلاش کاتالونیا به شکست انجامید. این رویداد و حتی محدودسازی بخشی از حقوق پیشین کاتالونیا در نظام فدرال و نیز سر باززدن دولت محافظه‌کار مادرید از گفت‌وگوی جدی برای تنظیم مناسبات جدید با بارسلون، بیش‌ازپیش باد به بادبان نیروهای جدایی‌خواه این ایالت انداخت. استقلال‌خواهی کاتالونیا بیش از آنکه جنبه‌ی قومی داشته باشد، بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جمهوری‌خواهی و افزایش حقوق مدنی استوار است و با پادشاهی اسپانیا، با توجه به پیشینه‌ی تاریخی آن در سرکوب کاتالونیا در سه قرن پیش، چندان میانه‌خوشی ندارد. کاتالان‌ها در سال‌های اخیر این شکایت را هم داشته‌اند که به‌عنوان ایالتی ثروتمند، به‌گونه‌ای ناعادلانه، مالیات به حساب دولت فدرال واریز می‌کنند، درحالی‌که در تأمین برخی هزینه‌های ایالت خود مشکل دارند. به‌این‌ترتیب، کاتالونیا پس از یک دوره تلاش برای تنظیم مناسبات جدید با دولت فدرال و در پی بسته شدن راه‌های متعارف برای تنظیم مناسبات جدید با مادرید، به جدایی‌خواهی گرویده است.

با توجه به اینکه مردم کاتالونیا منافع خود را در جدایی از اسپانیا می‌دانند، اکثریت تحلیلگران اسپانیایی و اروپایی بر این نظر بودند که در صورت برگزاری همه‌پرسی استقلال کاتالونیا، این منطقه با رأی بالا از مادرید جدا می‌شود (Khosravi, 2014: 8). در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷، پارلمان محلی کاتالونیا با ۱۰۶ رأی موافق در برابر ۲۸ رأی مخالف، مجوز برگزاری همه‌پرسی استقلال را

صادر کرد و رئیس منطقه کاتالونیا با امضای مصوبه پارلمان محلی، به‌طور رسمی روز اول اکتبر را به‌عنوان روز برگزاری همه‌پرسی استقلال منطقه از اسپانیا اعلام کرد.

مردم کاتالونیا، روز یکشنبه، اول اکتبر ۲۰۱۷، در همه‌پرسی استقلال این منطقه شرکت کردند تا درباره جدایی ایالت کاتالان از دولت اسپانیا تصمیم بگیرند. تعداد افراد دارای شرایط شرکت در این همه‌پرسی، پنج میلیون و سیصد هزار نفر اعلام شد. در برگه رأی دو پرسش مطرح شده بود که رأی‌دهندگان باید به آن‌ها پاسخ «آری» یا «نه» می‌دادند: «آیا منطقه کاتالونیا باید به یک کشور تبدیل شود؟ آیا کشور کاتالونیا باید کاملاً مستقل باشد؟» (Euronews site, code 38022).

سایت «بی‌بی‌سی» از شرایط حاکم بر فضای رأی کاتالونیا چنین خبر داد: «مردم کاتالونیای اسپانیا برای شرکت در همه‌پرسی جدایی این منطقه به‌پای صندوق‌های رأی رفتند، اما با بسته بودن مراکز رأی‌گیری روبه‌رو شدند. نیروهای دولت مرکزی اسپانیا برای جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه شهروندان استفاده کرد. در برخی مناطق، پلیس با افرادی درگیر شد که برای رأی دادن در مقابل حوزه‌ها تجمع کرده بودند، زیرا دولت اسپانیا این همه‌پرسی را غیرقانونی اعلام کرده بود. ۴۳ درصد کاتالان‌ها به‌پای صندوق‌های رأی رفتند. نتیجه همه‌پرسی این شد که ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی، رأی به جدایی کاتالونیا دادند. شبکه خبری «یورونیوز» در اول اکتبر ۲۰۱۷ میلادی گزارش داد: «پلیس اسپانیا برای جلوگیری از برگزاری این همه‌پرسی، بیش از نیمی از حوزه‌های رأی‌گیری را بسته بود... ماریانو راخوی، نخست‌وزیر اسپانیا، وعده داده است که از رأی‌گیری جلوگیری می‌کند، چون با قانون اساسی اسپانیا در تضاد است». جوردی سانچز، رئیس مجمع ملی کاتالان، می‌گوید: «روز بزرگی است؛ روز نمایش باشکوه دموکراسی! شهروندان کاتالونیا قدرت مدنی خویش را به‌نمایش گذاشتند. شاهد سرکوب بی‌حدواندازه رأی‌دهندگان توسط دولت مرکزی اسپانیا بودیم. دولت اسپانیا باعث شرم اروپا است» (Euronews, October 1, 2017).

خبرگزاری «شینخوا» در خبری فوری، از محاصره یکی از شعبه‌های رأی‌گیری همه‌پرسی استقلال کاتالونیا خبر داد که رهبر جدایی‌طلبان در آن حضور دارد: «پلیس، این محل را قرنطینه کرده و اجازه ورود یا خروج از آن را به هیچ‌کس نمی‌دهد». این خبر کافی بود تا بارسلونا را خشونت فراگیرد و میان نیروهای پلیس و طرفداران استقلال کاتالونیا در بارسلونا درگیری روی دهد (Xinhua, October 1, 2017).

سایت «اسپوتنیک»^(۱) با آغاز رأی‌گیری در کاتالونیا درباره استقلال این منطقه نوشت: «هرچند میزان مشارکت در همه‌پرسی کاتالونیا بیش از ۵۰ درصد است، پلیس به شعبه‌های رأی‌گیری حمله کرده است. در نتیجه درگیری پلیس با هواداران استقلال کاتالونیا، شهر بارسلونا شاهد خشونت بی‌سابقه‌ای بوده است» (Sputnik, October 1, 2017).

روزنامه «گاردین» به نقل از جردی تیرل^۱، سخنگوی دولت محلی کاتالونیا در دوم اکتبر ۲۰۱۷ اعلام کرد: «۹۰ درصد از دو میلیون و بیست‌وشش هزار کاتالانی که در این همه‌پرسی شرکت کرده بودند، به استقلال این منطقه خودمختار و جدایی آن از اسپانیا رأی «آری» داده‌اند. تعداد افراد دارای شرایط شرکت در این همه‌پرسی، پنج میلیون و سیصد هزار نفر اعلام شده است» (The Guardian, October 2, 2017). تیرل، از انتشار نتایج اولیه همه‌پرسی استقلال این منطقه خبر داد و گفت: «حدود ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی، رأی به جدایی از اسپانیا داده‌اند و حدود هشت درصد، رأی «نه» داده‌اند و باقی‌مانده آرا، ممتنع یا باطل بوده است». مقام‌های کاتالان، میزان مشارکت در این همه‌پرسی را ۴۲ درصد اعلام کرده‌اند. تیرل اعلام کرد: «برپایه برآوردها، حدود ۷۷۰ هزار رأی، به دلیل ناآرامی‌ها و درگیری‌ها هنگام شمارش، قابل دسترسی نبوده است و ۴۰۰ مدرسه که برای رأی‌گیری در نظر گرفته شده بود، مهر و موم شدند و آرا به سرقت رفت» (Euronews, October 2, 2017).

این نتایج در حالی منتشر شد که ماریانو راجوی^۲، نخست‌وزیر اسپانیا، در یک سخنرانی تلویزیونی از تلویزیون اسپانیا بیان کرد: «امروز همه‌پرسی برای خودمختاری در کاتالونیا نداشتیم. آنچه رخ داد، تلاش برای برهم زدن نظم و آرامش کشور بود. دادستان کل کاتالونیا به پلیس منطقه‌ای دستور داده است که از رأی‌گیری غیرقانونی جلوگیری کند» (Spanish Television, October 2, 2017). در حالی که یک هفته پیش از همه‌پرسی در کاتالونیا، مردم کردستان عراق در قلب خاورمیانه در همه‌پرسی مسالمت‌آمیز استقلال شرکت کرده بودند، رهبران کاتالان و بسیاری از تحلیلگران، حمله دولت به مراکز رأی‌گیری را در قلب اروپا پیش‌بینی نمی‌کردند، اما این همه‌پرسی از ساعت نخست برگزاری با مخالفت دولت اسپانیا همراه شد. رهبران استقلال، تبعید شدند یا به زندان افتادند و برنامه کاهش اختیارات دولت محلی، در مجلس اسپانیا تصویب شد.

1. Jordi Tyrol
2. Mariano Rajoy

۵. مقایسه دو همه‌پرسی اقلیم کردستان و ایالت کاتالونیا

۱-۵. شباهت‌های دو همه‌پرسی

۱-۱-۵. شباهت زمینه‌های همه‌پرسی

در نگاه نخست، شباهت زمینه‌های شکل‌گیری دو همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق و ایالت کاتالونیا اسپانیا اندک به نظر می‌رسد و دلیل آن هم این است که دو گروه کرد و کاتالان در شرایط متفاوت محیطی، یعنی آسیا و اروپا، همه‌پرسی استقلال را برگزار کردند، اما در پرتو بحث‌های پیشین، شباهت‌هایی بین این دو همه‌پرسی وجود دارد که برای تحلیل مقایسه‌ای این دو رویداد مفید است و در این بخش، مرور می‌شود.

۱-۱-۵-۱. زمینه تاریخی

عامل تشابه زمینه تاریخی این دو همه‌پرسی، شرایط منجر به شکل‌گیری گرایش گریز از مرکز برای دو اقلیت کرد و کاتالان است که هر دو، در پی رسیدن به حقوق مدنی و سیاسی خود هستند، چون هر دو اقلیت در دوره‌هایی از زمان، با سیاست حذف و انکار توسط دولت مرکزی خود (البته با تفاوت شدت و ضعف ویژه خود) روبه‌رو شده‌اند و به دلیل تفاوت فرهنگی و زبانی، هدف سیاست تبعیض از سوی دولت مرکزی بودند و سال‌ها برای رسیدن به حقوق خود مبارزه کرده‌اند.

۱-۱-۵-۲. زمینه سیاسی

دو منطقه کرد و کاتالونیا دارای نظام سیاسی ویژه خود هستند و سال‌ها، تجربه حکومت‌داری و اداره امور خود را دارند. هر دو منطقه، نظام پارلمانی، رئیس‌ایالت، و احزاب گوناگونی دارند و خواسته هر دو، استقلال سیاسی است. هر دو در سال‌های اخیر، امتیازهای بیشتری برای اداره منطقه خود به دست آورده بودند و در قانون اساسی هر دو کشور، حقوق این دو تصویب شده است.

۱-۱-۵-۳. زمینه اقتصادی

دو منطقه کاتالونیا و کردستان، وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به دولت مرکزی خود دارند. کاتالان‌ها با ۱۵ درصد جمعیت، ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی اسپانیا را دارند. کاتالونیا منطقه صنعتی و گردشگری است و درآمد آن نسبت به جمعیتش بیشتر از مناطق دیگر اسپانیا است. کردستان عراق نیز به دلیل وجود امنیت، پذیرای گردشگران زیادی است و در سال‌های اخیر در جذب سرمایه‌گذاری موفق بوده است؛ دارای چاه‌های نفت فراوانی است و در چند سال اخیر، به سبب اختلاف با دولت مرکزی، به صورت مستقل اقدام به فروش نفت کرده است.

هر دو منطقه در مورد مسائل مالی با دولت مرکزی اختلاف داشته‌اند که ویژگی آن در سال‌های اخیر، بروز بحران مالی در اسپانیا است. کاتالان‌ها شکایت داشته‌اند که بیش از مقدار عادلانه به دولت فدرال مالیات می‌دهند و کردها نیز بر سر میزان بودجه دریافتی اقلیم از دولت مرکزی، سهم اقلیم از فروش نفت، و مواردی مانند این‌ها، با بغداد اختلاف داشته‌اند.

۴-۱-۱-۵. زمینه فرهنگی

دو جنبش استقلال طلب کاتالان و کرد، جنبه فرهنگی و زبانی دارند. وجه تمایز مردم کردستان با مناطق دیگر عراق، زبان و ملیت کردی است. جنبش کاتالانی نیز ابتدا یک جنبش فرهنگی و زبانی بود و به مرور، خواسته سیاسی یافت. هر دو منطقه با دولت مرکزی و اکثریت مردم کشور خود اختلاف زبانی و فرهنگی دارند؛ از این رو، برجسته‌ترین تفاوت کردها و کاتالان‌ها با دولت مرکزی‌شان، تفاوت فرهنگی و زبانی آنان است.

۲-۱-۵. شباهت فرایند همه‌پرسی

هر دو منطقه کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا، از گذشته دور، آرزوی استقلال و تجارب جدایی طلبانه را داشتند و از سال‌ها پیش نیز بخشی از احزاب سیاسی، پیگیر برگزاری همه‌پرسی استقلال بودند؛ در نتیجه، زمینه فنی، اجرایی، و روانی همه‌پرسی تاحدودی در هر دو منطقه وجود داشت. همه‌پرسی سال ۲۰۱۷ کردستان و کاتالونیا هر دو در پارلمان منطقه آن‌ها تصویب شد و با ارائه برنامه زمانی برای تبلیغات و تعیین روز برگزاری، از مدت‌ها پیش اقدام به آماده‌سازی شرایط برگزاری همه‌پرسی کرده بودند و هر دو همه‌پرسی با حضور ناظران بین‌المللی برگزار شد. یک روز پس از همه‌پرسی نیز نتیجه آن اعلام شد.

۳-۱-۵. شباهت نتیجه همه‌پرسی

مهم‌ترین شباهت این دو همه‌پرسی، نتیجه آن است که برگزارکنندگان تاحدودی از پیش از نتیجه مثبت آن مطمئن بودند. اکثریت شرکت‌کنندگان در این دو همه‌پرسی (کردستان ۹۰ درصد و کاتالونیا ۸۰ درصد) به آن رأی مثبت دادند.

۴-۱-۵. شباهت پیامدهای همه‌پرسی

پیامدهای برگزاری دو همه‌پرسی یادشده در سه سطح محلی، ملی، و بین‌المللی چند شباهت داشتند که در این بخش مرور می‌شود.

۵-۱-۴-۱. پیامد محلی

هر دو دولت محلی کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا پس از برگزاری همه‌پرسی، دچار اختلاف شدید با دولت مرکزی شدند، زیرا دولت مرکزی از پیش، مخالفت جدی خود را با آن اعلام کرده بود. تضاد داخلی بین مخالفان و موافقان همه‌پرسی نیز بیشتر شد که دلیل آن، پیامدهای همه‌پرسی، به‌ویژه فشار اقتصادی بر این دو منطقه بود، زیرا فشار اقتصادی پس از همه‌پرسی، همه مردم را دربر گرفت؛ درحالی‌که بخشی از جامعه با این همه‌پرسی مخالف بود. این امر سبب ایجاد شکاف بیشتر بین موافقان و مخالفان شد و رابطه احزاب موافق و مخالف استقلال تغییر کرد. در کردستان، رابطه حزب دموکرات با احزاب مخالف استقلال، به کمترین میزان رسید. اقتصاد هر دو منطقه، پس از همه‌پرسی، دچار مشکلات گوناگونی شد. امنیت سرمایه‌گذاری در کاتالونیا کم و صنعت گردشگری دچار رکود شدید شد. در اقلیم کردستان نیز میزان درآمد دولت محلی به‌دلیل محاصره اقتصادی دولت مرکزی و همسایگان، به کمترین میزان خود رسید. سرانجام، رهبران برگزارکننده همه‌پرسی استقلال، موقعیت سیاسی ضعیف‌تری نسبت به پیش پیدا کردند.

۵-۱-۴-۲. پیامد ملی

دولت مرکزی عراق و اسپانیا با تمام توان با هر دو منطقه کردستان و کاتالونیا مبارزه کردند. بیشتر شخصیت‌ها و احزاب ملی دو کشور، مخالف برگزاری و نتیجه همه‌پرسی بودند. پارلمان دو کشور، نتیجه همه‌پرسی را در جلسه فوق‌العاده، غیرقانونی اعلام کردند. قوه قضائیه دو کشور نیز کارهای قانونی‌ای را برای مقابله با همه‌پرسی و برگزارکنندگان آن انجام دادند.

۵-۱-۴-۳. پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

اقلیم کردستان و کاتالونیای اسپانیا برای همه‌پرسی، از حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی محروم بودند. کشورهای منطقه به شکل‌ها و درجه‌های گوناگون، مخالف همه‌پرسی کردستان بودند؛ به‌ویژه کشورهایی مانند ایران، ترکیه، و سوریه با نگرانی از تأثیر جدایی کردستان عراق بر مناطق کردنشین خود، مخالفت خود را با همه‌پرسی اعلام کرده بودند. محصور بودن کردستان در میان این کشورهای مخالف، وضعیت خوبی را برای دوران پس از استقلال این منطقه رقم نمی‌زد. در مورد کاتالونیا نیز هیچ‌یک از کشورهای اروپایی به‌طور رسمی از کاتالونیا حمایت نکردند. دلیل آن هم به فلسفه وجودی اتحادیه اروپا مربوط می‌شد که در اصل، برای اتحاد و از بین بردن مرزها شکل گرفته

است؛ بنابراین، طبیعی بود که با همه‌پرسی استقلال مخالفت کند. سازمان ملل متحد نیز از یکپارچگی سرزمینی کشورهای عضو، یعنی عراق و اسپانیا، پشتیبانی کرد. البته سازمان کشورهای بدون دولت، از دو همه‌پرسی حمایت کرد و ناظران بین‌المللی بر دو همه‌پرسی نظارت داشتند. شباهت‌های دو همه‌پرسی کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا به‌طور خلاصه در جدول شماره (۱) بیان شده است.

جدول شماره (۱). شباهت‌های همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا در سال ۲۰۱۷

مقایسه	اقلیم کردستان عراق	کاتالونیای اسپانیا
زمینه	تاریخی: سرکوب کردها از زمان تشکیل کشور عراق تا سقوط صدام	سرکوب و کاهش اختیارات کاتالان‌ها در زمان فرانکو
	سیاسی: نظام چندحزبی، پارلمانی، و فدرال عراق و تثبیت دولت اقلیم کردستان در قانون اساسی عراق	نظام چندحزبی، پارلمانی، و فدرال اسپانیا و تثبیت خودمختاری کاتالونیا در قانون اساسی اسپانیا
	اقتصادی: وضعیت اقتصادی بهتر کردستان نسبت به بقیه مناطق عراق	وضعیت اقتصادی بهتر کاتالان نسبت به بقیه مناطق اسپانیا
	فرهنگی: تفاوت زبانی و فرهنگی با بقیه مردم عراق	تفاوت فرهنگی و زبانی کاتالان‌ها با بقیه مردم اسپانیا
فرایند	تصویب موضوع و زمان همه‌پرسی در پارلمان اقلیم کردستان	تصویب موضوع و زمان همه‌پرسی در پارلمان کاتالونیا
نتیجه	رای مثبت بیشتر شرکت‌کنندگان به استقلال اقلیم کردستان	رای مثبت بیشتر شرکت‌کنندگان به استقلال کاتالونیا
پیامد	محدود شدن اختیارات دولت اقلیم کردستان و رکود اقتصادی	محدود شدن اختیارات دولت کاتالونیا و رکود اقتصادی
	ملی: مقابله حداکثری دولت مرکزی با اقلیم کردستان	مقابله حداکثری دولت مرکزی با دولت کاتالونیا
	منطقه‌ای و بین‌المللی: عدم حمایت از همه‌پرسی	عدم حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی از همه‌پرسی

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۵. تفاوت دو همه‌پرسی

۱-۲-۵. تفاوت زمینه‌های همه‌پرسی

۱-۱-۲-۵. زمینه تاریخی

کردستان عراق در طول تاریخ، سرکوب قوم‌ستیزانه دولت‌های مرکزی را تحمل کرده و جدایی عاطفی و ذهنی، تا حدودی در طرفین شکل گرفته است. در کردستان عراق، با مبارزه‌های انجام‌شده برای رسیدن به حقوق، بیش از آنکه نزدیکی به مرکز تقویت شود، گرایش‌های تندروانه جدایی‌طلبی

تقویت شد که دلیل اصلی آن، رفتارهای خشن دولت‌های مرکزی عراق با کردستان بود. این دولت‌ها، کمترین حقوق را برای کردها در نظر نمی‌گرفتند و کردها دوران گوناگون نسل‌کشی و پاکسازی قومی را تجربه کردند. در کاتالونیا، به‌رغم آسیب‌های ناشی از شکست در برابر اسپانیا در سال ۱۷۱۴ و از دست رفتن استقلال نسبی، خواست جدایی‌خواهی، ریشه طولانی‌ای ندارد. حتی سرکوب فرانکو و محدودسازی حقوق کاتالان‌ها به جدایی‌طلبی آن‌ها دامن نزد کاتالان‌ها در سال ۲۰۰۷ در هماهنگی با دولت سوسیالیست اسپانیا، قانون اساسی نوینی برای ایالت خود نوشتند و حقوق بیشتری را تصویب کردند و این قانون در همه‌پرسی به تأیید مردم کاتالونیا رسید، اما حزب محافظه‌کار اسپانیا علیه این قانون به دادگاه قانون اساسی فدرال شکایت کرد و با رأی این دادگاه، سرانجام تلاش کاتالونیا برای مناسبات برابرتر با مادرید به شکست انجامید.

هرچند در دوران فرانکو، اختیارات واحدهای خودمختار کاهش یافت و کاتالان‌ها دوران سختی را سپری کردند، گرایش‌گریز از مرکز به حدی زیاد نبود که مردم کاتالان خواستار جدایی باشند. به‌ویژه اینکه استفاده از زبان کاتالانی و فرهنگ کاتالان به‌طور کامل ممنوع نشد؛ موضوعی که کردها در عراق در زمان حکومت حزب بعث تجربه کردند. کاتالونیا برخلاف کردستان، با نسل‌کشی توسط دولت مرکزی روبه‌رو نبود و کاتالان‌ها دوران نسل‌کشی یا انکار از سوی دولت مرکزی را نگذراندند؛ در نتیجه، رفتار متفاوت دولت‌های عراق و اسپانیا با کردها و کاتالان‌ها در طول تاریخ، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های زمینه‌ای این دو همه‌پرسی است.

۵-۲-۱-۲. زمینه سیاسی

هر دو منطقه اقلیم کردستان و ایالت کاتالونیا، دارای دولت خاص خود هستند، اما همچنان‌که بیان شد، دولت مرکزی اسپانیا بر پایه قانون اساسی، از این حق برخوردار است که با تصویب مجلس سنا، دولت کاتالونیا را برکنار کند و خود، زمام امور را به‌دست گیرد که این نکته درباره دولت مرکزی عراق و کردستان صادق نیست.

طرفداران و طراحان همه‌پرسی کاتالونیا، همه روندهای آن را به‌صورت پارلمانی و نه تنها با توافق چند حزب پیش بردند و پیشاپیش برای مراحل انجام و پس از همه‌پرسی، طرح و برنامه ارائه دادند. بر پایه این طرح قرار بود کاتالونیا در طول شش ماه پس از همه‌پرسی، قانون اساسی جدید را داشته باشد و بی‌درنگ پس از آن، انتخابات برگزار شود. این طرح در مجلس کاتالونیا تصویب شد، ولی

دادگاه قانون اساسی اسپانیا آن را باطل اعلام کرد؛ این در حالی است که در کردستان عراق دولت اقلیم، برنامه‌ای برای پس از همه‌پرسی اعلام نکرد و رهبران اقلیم در مورد کارهای پس از همه‌پرسی، به طرح یک مجموعه کلیات بسنده کردند. همین امر، تقویت‌کننده این گمان شد که طرفداران همه‌پرسی کردستان در صورت پیروزی، آن را تا اطلاع ثانوی عملی نمی‌کنند، بلکه از آن بیشتر به‌عنوان اهرم فشاری برای امتیازگیری در مذاکره با دولت بغداد استفاده خواهند کرد.

تفاوت دیگر، در نیروی نظامی دو دولت منطقه است. کاتالونیا مانند کردستان عراق، پیشمرگه و نیروی نظامی ندارد. این نیروی نظامی، به‌ویژه با توجه به مبارزه با داعش و حضور در مناطق مورد اختلاف با دولت مرکزی، نقش خاصی در معادلات سیاسی بازی کرده و حتی ضمانتی برای برگزاری همه‌پرسی جدایی بود و دولت عراق اهرم چندانی برای مخالفت با همه‌پرسی نداشت؛ در حالی که از سه نیروی انتظامی مستقر در کاتالونیا، تنها یکی زیر نظر وزارت داخله این ایالت است و آن‌هم بر پایه قانون اساسی باید در نهایت، تابع دولت مرکزی باشد؛ بنابراین، کاتالونیا امکان تکیه بر این نیروها را نداشت.

تفاوت بعدی در محدوده جغرافیایی دو منطقه است. حد و مرز کاتالونیا، معلوم و معین است و مناطقی وجود ندارد که بر سر آن با دولت مرکزی اختلاف داشته باشد، اما در کردستان، چه در چارچوب قانون اساسی سال ۲۰۰۵ عراق و چه پس از حضور پیشمرگه‌های کردستان در مناطق مورد اختلاف، چالش دوچندانی بر سر این موضوع شکل گرفت که همه‌پرسی در کدام محدوده جغرافیایی برگزار شود.

۳-۱-۲-۵. زمینه اقتصادی

در کردستان عراق، جنبه قومی جدایی‌خواهی، با خواسته دسترسی بیشتر به منابع مالی و نفتی آمیخته شده است. کاتالونیا، اقتصاد نیرومند و دسترسی به آب‌های آزاد دارد که خطر محاصره اقتصادی را از بین می‌برد، اما کردستان عراق، فاقد اقتصاد نیرومند تولیدی یا خدماتی است و جنبه مالی جدایی‌خواهی آن بر طلب سهم بیشتر از درآمد نفت استوار است؛ بنابراین، دو منطقه، وضعیت اقتصادی متفاوتی دارند.

۴-۱-۲-۵. زمینه فرهنگی

استقلال‌خواهی کاتالونیا بیش از جنبه قومی، صبغه فرهنگ سیاسی جمهوری‌خواهی دارد که بر حقوق مدنی استوار است. بین ملت اسپانیا و کاتالان‌ها نزدیکی فرهنگی زیادی وجود دارد، اما در

کردستان عراق، بین کردها و عرب‌ها هیچ‌گونه نزدیکی فرهنگی‌ای وجود ندارد. نگارنده این پژوهش بر پایه آگاهی عمیق از دگرگونی‌های چند سال اخیر کردستان عراق، بر این نظر است که فرهنگ سیاسی کردستان عراق، تبعی است، اما در کاتالونیا فرهنگ سیاسی، مدنی است و این دو فرهنگ سیاسی، موجب دو نوع انگیزه گوناگون برای برگزاری یا شرکت در همه‌پرسی شد. در کردستان عراق، رفتار احزاب و طرفداران آن‌ها، ناشی از وابستگی احساسی به منطقه، محل سکونت، عشیره، و... است و همه‌پرسی نیز تابع این مسئله است؛ در حالی که در کاتالونیا، موافقت و مخالفت با یک جریان و پدیده، جنبه عقلانی دارد.

۲-۲-۵. تفاوت فرایند همه‌پرسی

دو همه‌پرسی یادشده به لحاظ فنی، اختلاف داشتند، زیرا در فرایند برگزاری در دو منطقه، دو روش متفاوت برای برگزاری آن به کار رفت. بخشی از احزاب اقلیم، آشکارا با همه‌پرسی مخالفت کردند. احزابی مانند اتحادیه میهنی، با وجود حمایت اولیه از همه‌پرسی، سرانجام به دلایل گوناگون از جمله رقابت با حزب دموکرات و همچنین، نفوذ دولت‌های طرفدار خود در منطقه، با آن مخالفت کردند. در اقلیم کردستان، احزاب گوناگونی وجود دارد که در جبهه‌بندی منطقه‌ای، در یک جبهه قرار ندارند. همچنین، به دلیل نوع فرهنگ سیاسی تبعی، احزاب سیاسی لزوماً نماینده مردم نیستند. به‌ررویی، همه‌پرسی با توافق بخشی از احزاب کردستان و تصویب پارلمان اقلیم و بیشتر با مدیریت حزب دموکرات به رهبری بارزانی برگزار شد.

همان‌گونه که اشاره شد، پارلمان اقلیم کردستان، یک سال پیش از همه‌پرسی بسته شده بود و چند روز پیش از برگزاری همه‌پرسی، یک جلسه را برای اعلام نظر درباره آن برگزار کرد و دوباره بسته شد، اما در کاتالونیا، تصمیم‌گیری درباره موضوع برگزاری همه‌پرسی در پارلمان محلی به رأی گذاشته شد و نمایندگان احزاب با بیان موافقت یا مخالفت خود، سرانجام به برگزاری آن رأی مثبت دادند. تفاوت دیگر این بود که مخالفان همه‌پرسی در اقلیم کردستان بیان می‌کردند، با همه‌پرسی در این مقطع زمانی مخالف هستند، یعنی مخالف همه‌پرسی و حق مردم کرد برای استقلال نبودند، اما زمان آن را مناسب نمی‌دیدند، اما در کاتالونیا، مخالفان همه‌پرسی با کلیت همه‌پرسی استقلال و نه زمان آن، مخالف بودند. در روز برگزاری نیز تفاوت عمده‌ای در شیوه برخورد دو دولت مرکزی عراق و اسپانیا با برگزاری همه‌پرسی وجود داشت. همه‌پرسی در کردستان عراق در کمال آرامش و بدون مشکل امنیتی برگزار

شد و حتی ساعت آن نیز تمدید شد، اما در کاتالونیا، ارتش به برخی از محل‌های برگزاری همه‌پرسی حمله کرد و پلیس فدرال، هرگونه مواد تبلیغی و برگه رأی و صندوق رأی مرتبط با همه‌پرسی اول اکتبر را ضبط کرد. دادستان اسپانیا نیز درصدد تعقیب قضایی رهبران کاتالان بود.

۵-۲-۳. تفاوت نتیجه همه‌پرسی

چنان‌که بیان شد، نتیجه دو همه‌پرسی به لحاظ عددی تفاوت زیادی ندارد، اما در میزان مشارکت و رأی مثبت در مناطق گوناگون می‌توان اختلاف‌هایی را دید. در کردستان در مناطق تحت کنترل اتحادیه میهنی، میزان مشارکت، کم و حدود ۵۰ درصد بود و از همین میزان مشارکت نیز نزدیک به ۴۰ درصد به همه‌پرسی رأی «نه» دادند، اما در مناطق مورد مناقشه مانند کرکوک و مناطق تحت کنترل حزب دموکرات، میزان مشارکت و رأی مثبت، بیشتر بود؛ این درحالی است که در کاتالان، اختلاف زیادی بین مناطق گوناگون نبود. تفاوت دیگر، به درگیری در روز همه‌پرسی در کاتالان مربوط می‌شود که در کردستان چنین اتفاقی نیفتاد. نکته دیگر اینکه نمی‌توان به قطعیت در مورد کسانی که در کاتالونیا در همه‌پرسی شرکت نکردند، عنوان موافق یا مخالف داد، زیرا بخشی از کاتالان‌ها به دلیل فضای امنیتی، امکان حضور در همه‌پرسی نیافتند، اما در کردستان، همه افراد مایل به شرکت، امکان شرکت در همه‌پرسی را یافتند.

۵-۲-۴. تفاوت پیامدهای دو همه‌پرسی

پیامد برگزاری دو همه‌پرسی اقلیم کردستان و کاتالونیا در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی متفاوت بود که در این بخش مرور می‌شود.

۵-۲-۴-۱. پیامد محلی

رهبران همه‌پرسی در کاتالونیا، تحت تعقیب دولت مرکزی قرار گرفتند و برخی نیز به زندان افتادند. همچنین، اختیارات دولت کاتالونیا کاهش یافت و خشونت خیابانی بین معترضان و دولت مرکزی تا چند روز پس از همه‌پرسی در جریان بود، اما در اقلیم کردستان، نه رهبران تحت تعقیب قرار گرفتند و نه ارتش دولت مرکزی در شهرهای کردستان حضور داشت، زیرا اداره بخشی از مناطق کردنشین عراق از سال ۱۹۹۱ در دست نیروهای پیشمرگه بوده است و ارتش در این مناطق حضور ندارد. البته دولت مرکزی در تدارک حمله به مناطق کردنشین خارج از کنترل قانونی اقلیم کردستان بود که مدتی بعد انجام شد. اقتصاد کردستان که آسیب‌پذیرتر از اقتصاد کاتالونیا بود، پس از محاصره اقتصادی توسط

دولت مرکزی و همسایگان، دچار مشکلات جدی‌ای شد. همچنین، پروازهای بین‌المللی از فرودگاه‌های اقلیم کردستان متوقف شد که این رخداد در کاتالونیا اتفاق نیفتاد.

۲-۴-۲-۵. پیامد ملی

نوع رفتار دو دولت مرکزی کشورهای عراق و اسپانیا با تصمیم و اقدام دو دولت اقلیم و ایالتی متفاوت بود. اسپانیا، تنها در روز رأی‌گیری به کاتالونیا حمله کرد، اما دولت عراق، یک ماه پس از برگزاری همه‌پرسی، به کردستان حمله نظامی کرد. دولت عراق، ارتباط هوایی اقلیم کردستان را با خارج از عراق قطع کرد. بودجه اقلیم کردستان را قطع و با کمک دولت‌های همسایه که مخالف همه‌پرسی بودند، امکان صادرات نفت را برای اقلیم کردستان به کمترین میزان ممکن رساند. گذرگاه‌های مرزی بین اقلیم و همسایگانش نیز بسته شد که در مورد کاتالونیا چنین وضعیتی رخ نداد. در کاتالونیا که دولت مرکزی خواسته استقلال طلبان را نپذیرفت، اوضاع به مرور به حالت عادی برگشت و استقلال طلبان در انتخابات سال ۲۰۱۸، همچنان اکثریت خود را حفظ کردند، اما دولت اقلیم پس از حمله دولت عراق به مناطق مورد مناقشه و محاصره اقتصادی، مجبور به اعلام تعلیق نتیجه همه‌پرسی شد و حزب دموکرات که بیشترین تلاش را برای استقلال کرده بود، هرچند در انتخابات پارلمان اقلیم در اواخر سال ۲۰۱۸ پیروز انتخابات شد، بیش از ۴۶ کرسی کسب نکرد و اتحادیه میهنی، ۲۱ کرسی را به دست آورد.

۳-۴-۲-۵. پیامد منطقه‌ای و بین‌المللی

هرچند کاتالونیا از مزیت دسترسی به دریای آزاد برخوردار است، هیچ کشوری در اروپا از جدایی آن حمایت نکرد، زیرا جدایی کاتالونیا با فلسفه وجودی اتحادیه اروپا، یعنی مقابله با مرکزگی جدید، همخوانی ندارد. باین حال، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو، موضع سختی نیز در این زمینه نگرفتند تا به نفی حقوق مدنی و سیاسی بخشی از شهروندان اتحادیه اروپا، یعنی کاتالان‌ها، متهم نشوند. نباید از این واقعیت غفلت کرد که اروپا در بلژیک، شمال ایتالیا، و برخی ایالت‌های دیگر اسپانیا با خطر قدرت‌گیری نیروهای جدایی‌خواه روبه‌رو است و هرگونه روی خوش نشان دادن به جدایی کاتالونیا می‌تواند برای این مناطق انگیزه‌بخش باشد؛ از این رو، این امید جدایی‌خواهان کاتالونیا که اتحادیه اروپا پس از استقلال، آن‌ها را به عضویت خواهد پذیرفت، چندان واقعی نبود و سرانجام، هیچ کشوری به‌طور رسمی از همه‌پرسی کاتالونیا پشتیبانی نکرد.

در مورد کردستان عراق، دولت اسرائیل به‌طور رسمی از همه‌پرسی اقلیم و تشکیل کشور مستقل کردستان پشتیبانی کرد و حتی در زمان تبلیغات همه‌پرسی، پرچم کردستان و اسرائیل کنار هم به‌نمایش در آمد. هم‌پیمانان غربی اقلیم کردستان، مانند آمریکا و متحدان غربی این اقلیم اعلام می‌کردند که با همه‌پرسی در این مقطع زمانی موافق نیستند، ولی به‌طور رسمی، با همه‌پرسی و استقلال کردستان مخالفت نکردند. در ضمن، سازمان ملل از تجزیه کشورهای عضو حمایت نکرد و به کارهای تنبیهی دو دولت مرکزی عراق و اسپانیا علیه این مناطق واکنش نشان نداد. با توجه به آنچه مطرح شد، تفاوت‌های دو همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا به‌اختصار در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول شماره (۲). تفاوت‌های همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق و کاتالونیای اسپانیا در سال ۲۰۱۷

وجه مقایسه	اقلیم کردستان عراق	کاتالونیای اسپانیا
زمینه	تاریخی: سرکوب شدید و نسل‌کشی کردها توسط دولت مرکزی	عدم سرکوب شدید و نسل‌کشی کاتالان‌ها توسط دولت مرکزی
	سیاسی: حدود مرز جغرافیایی دولت اقلیم کردستان مشخص نیست؛ دولت مرکزی، حق انحلال دولت اقلیم کردستان را ندارد؛ دولت عراق، توان جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی را نداشت؛ دولت اقلیم کردستان، برنامه مشخصی برای دوران پس از همه‌پرسی ارائه نداد.	حدومرز دولت کاتالونیا مشخص است؛ دولت مرکزی، حق لغو اختیارات دولت کاتالونیا را دارد؛ دولت اسپانیا توان جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی را داشت؛ دولت کاتالان، برنامه مشخصی برای پس از همه‌پرسی ارائه داد.
	اقتصادی: اقلیم کردستان، غیرصنعتی و وابسته به نفت است.	ایالت کاتالونیا، صنعتی و غیرنفتی است.
	فرهنگی: نزدیکی فرهنگی کردستان و عراق، اندک است؛ فرهنگ سیاسی اقلیم، تبعی است.	نزدیکی فرهنگی کاتالان و اسپانیا زیاد است؛ فرهنگ سیاسی کاتالان، مدنی است.
فرایند	موافقت و مخالفت غیرشفاف بخشی از احزاب با همه‌پرسی استقلال؛ برگزاری همه‌پرسی بدون دخالت نیروهای نظامی دولت مرکزی.	موافقت و موافقت شفاف احزاب با همه‌پرسی استقلال؛ دخالت نیروهای نظامی دولت مرکزی در روز برگزاری همه‌پرسی.
نتیجه	تفاوت چشمگیر در توزیع میزان آرا در مناطق گوناگون اقلیم کردستان	همگونی نسبی در توزیع میزان آرا در مناطق گوناگون کاتالونیا

وجه مقایسه	اقلیم کردستان عراق	کاتالونیای اسپانیا
پیامد	محلی: رهبران همه‌پرسی تحت تعقیب قضایی قرار نگرفتند؛ محاصره اقتصادی اقلیم کردستان پس از همه‌پرسی توسط دولت مرکزی.	رهبران همه‌پرسی پس از برگزاری همه‌پرسی، زندانی شدند؛ عدم محاصره اقتصادی کاتالونیا توسط دولت مرکزی.
	ملی: تهدید لفظی دولت عراق در روزهای نخست و حمله نظامی در ماه‌های بعد.	حمله نظامی دولت اسپانیا به مراکز رأی‌گیری در روز همه‌پرسی.
	منطقه‌ای و بین‌المللی: حمایت علنی اسرائیل از استقلال کردستان؛ مخالفت غرب با همه‌پرسی کردستان به لحاظ زمان برگزاری آن.	عدم حمایت علنی هیچ کشوری از استقلال کاتالونیا؛ مخالفت کشورهای منطقه و غرب با کلیت استقلال کاتالونیا.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق و ایالت کاتالونیای اسپانیا در سال ۲۰۱۷ به لحاظ زمینه، فرایند، نتیجه، و پیامدهای آن‌ها در سه سطح محلی، ملی، و بین‌المللی انجام شد که یافته‌های پژوهش به اختصار در جدول‌های تشابه و تفاوت دو همه‌پرسی ارائه شد.

در پرتو پژوهش حاضر، در مورد تفاوت این دو همه‌پرسی باید گفت: دو اقلیت کرد و کاتالان به لحاظ جغرافیایی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی شرایط متفاوتی دارند. در مقام مقایسه، بین کردها و عرب‌ها در عراق نسبت به مردم کاتالونیا و اسپانیا، نزدیکی فرهنگی اندکی وجود دارد. نبردهای کردها بیشتر جنبه سیاسی اما پیکارهای کاتالان‌ها بیشتر جنبه فرهنگی دارد. در بررسی تفاوت دو همه‌پرسی به لحاظ زمینه، فرایند، نتیجه، و پیامد آن‌ها مشخص شد که به لحاظ زمینه تاریخی، نوع رفتار دولت مرکزی عراق و اسپانیا با کردها و کاتالان‌ها تفاوت چشمگیری داشت. در زمینه سیاسی، مهم‌ترین تفاوت این است که اقلیم کردستان، نیروی نظامی ویژه‌ای در کنترل خود دارد و کاتالونیا فاقد آن است. در زمینه اقتصادی نیز تفاوت عمده بین این دو، صنعتی بودن اقتصاد کاتالونیا است، در حالی که اقتصاد اقلیم کردستان به استخراج و صدور نفت وابسته است. به لحاظ جغرافیایی نیز دسترسی کاتالونیا به آب‌های آزاد و فقدان این مورد در اقلیم کردستان قابل توجه است. مهم‌ترین تفاوت در زمینه فرهنگی، چیرگی جنبه‌های فرهنگی و زبانی در کاتالونیا و چیرگی

جنبه‌های حقوقی و سیاسی در پیکارهای مردم کردستان عراق است. از جنبه فرایند نیز، شکل ظاهری رأی‌ها و شیوه تصویب برگزاری همه‌پرسی در پارلمان دو منطقه از مهم‌ترین تفاوت‌های بین آن‌ها است. همچنین، به لحاظ واکنش عملی دولت مرکزی به فرایند برگزاری همه‌پرسی، دولت اسپانیا به مراکز رأی‌گیری حمله کرد، ولی در اقلیم کردستان چنین نشد. به لحاظ نتیجه، مهم‌ترین تفاوت در توزیع آرای مثبت بین مناطق گوناگون این دو منطقه است. تفاوت پیامدها در سطح محلی، زندانی شدن برخی از رهبران و تحت تعقیب قرار گرفتن بخش دیگری از رهبران استقلال کاتالونیا است که در مورد کردستان چنین اتفاقی نیفتاد. در سطح ملی، دولت عراق یک ماه پس از همه‌پرسی به کردستان حمله کرد و به مرور، فشارها سبب تعلیق نتیجه همه‌پرسی توسط دولت اقلیم کردستان شد. در بخش پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، کشور اسرائیل به طور رسمی از همه‌پرسی کردستان پشتیبانی کرد، اما در مورد کاتالونیا هیچ کشوری به طور رسمی از آن پشتیبانی نکرد.

در پرتو پژوهش حاضر با بررسی شباهت زمینه، فرایند، نتیجه، و پیامدهای این دو همه‌پرسی مشخص شد که هر دو منطقه کردستان عراق و کاتالونیا اسپانیا به لحاظ زمینه تاریخی، از سال‌ها پیش برای استقلال و حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کردند. در زمینه سیاسی، حکومت و نظام سیاسی ویژه خود را دارند. در بعد اقتصادی، تفاوت معناداری با حکومت مرکزی خود دارند. در زمینه فرهنگی نیز دارای جنبه‌های فرهنگی و زبانی نیرومند ویژه خود هستند. به لحاظ فرایند، هر دو همه‌پرسی با تبلیغات پیشین و در یک روز برگزار شد. به لحاظ نتیجه همه‌پرسی، هرچند اکثریت شرکت‌کنندگان در هر دو منطقه، به آن رأی مثبت دادند، هیچ‌یک به نتیجه دلخواه برگزارکنندگان، یعنی استقلال سیاسی نرسید و موقعیت رهبران استقلال دو منطقه نسبت به پیش، ضعیف‌تر شد. به لحاظ پیامد در سطح محلی، قدرت دولت ایالت کاتالان و اقلیم کردستان، محدود و اقتصاد دو منطقه دچار بحران شد. همچنین، تضاد بین موافقان و مخالفان همه‌پرسی در سطح جامعه کرد و کاتالان افزایش یافت و شکاف اجتماعی پیشین بین مخالفان و موافقان همه‌پرسی، تشدید شد. در سطح ملی هر دو دولت مرکزی از تمام توان خود برای مقابله با همه‌پرسی استفاده کردند که دولت اسپانیا نتیجه رأی‌گیری را غیرقابل قبول اعلام کرد. همچنین، دولت مرکزی عراق مدتی پس از همه‌پرسی، مناطق موردمنازعه از جمله کرکوک را از اقلیم پس گرفت و سرانجام، دولت اقلیم کردستان مجبور به تعلیق نتیجه همه‌پرسی شد. در سطح بین‌المللی نیز نه تنها حمایت منطقه‌ای و

جهانی از همه‌پرسی به‌دست نیامد، بلکه مخالفت بین‌المللی را برانگیخت که البته کشورهای اروپا و غرب با اصل همه‌پرسی کاتالونیا، مخالف بودند، اما در مورد کردستان، مخالفت با زمان برگزاری همه‌پرسی بود.

یادداشت‌ها

۱. اسپوتنیک Sputnik سرویس خبری چندرسانه‌ای بین‌المللی است که در ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴ توسط روسیا سوئدنیا آغاز به کار کرد. روسیا سوئدنیا نیز سازمانی در مالکیت دولت روسیه و به‌مدیریت آن است که در ۹ دسامبر ۲۰۱۳ با فرمان رئیس‌جمهور روسیه ایجاد شد.

منابع

- Abalas, A. (1998). *The Kurdish Movement*. translated by I. Fattah Ghazi. Tehran: Negah.
- Abdullah, K. (2005). *Based on the Geographical Theory of Coins in South Kurdistan*. Second ed. Solaimaniyeh: Ministry of Enlightenment.
- Abedi, A. (2017A). *A look at the west's position in the face of the Iraqi Kurdistan referendum*. A Publication of the Strategic Thought Institute. (in Persian)
- Abedi, A. (2017B). *Russia and the Iraqi Kurdistan Referendum*. Strategic Research Center. Vice President for Research. Report 305. (in Persian)
- Ahmadi, K. (2005). *Weak social, political cohesion and geopolitical problems in Iraq after the fall of Baghdad*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. (in Persian)
- Ali Mahmoud, M. (2017). *Catalonia and Kurdistan in warm autumn*. Erbil.
- Alice, H. (2007). *The demands of the Kurds to form a government and future of the Kurds*. translated by A.M. Haji Yousefi and M. Entezam. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Ansari, V. (1999). *Generalities of Administrative Law*, Vol. 3, Tehran: Mizan. (in Persian)
- Aqabakhshi, A. (1997). *Dictionary of political science*. Tehran: Iran Scientific Information and Documentation Center. (in Persian)
- Ardalan, A. (1996). *The Dream of Kurdish Government*. Unpublished Master Thesis. Imam Sadegh (AS) University. (in Persian)
- Arfa, H. (2003). *Kurds; A historical and political study*. translated by M.R. Moradi. Tehran: Anna. (in Persian)
- Arfa, H. (2012). *The process of government-nation-building in the new Iraq and the national security of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Noor Institute of Thought Studies. (in Persian)
- Ashouri, D. (1999). *Political Encyclopedia*, Tehran: Morvarid. (in Persian)
- Ashouri, D. (2009). National identity and nationalization project; in Questions and Questions. Tehran: Agahi. (in Persian)
- Azizi, A. (2017). Do's and Don'ts of Legitimacy of the Separation of the Kurdistan Region in International Law. *Qanunyyar*, (3), 75-98. (in Persian)
- Bahrampour, K. (1993). The problem of decentralization in Iran and suggestions for its realization. *Public Management Quarterly*, (20). (in Persian)
- Barazesh, M. (2010). *Familiarity with the countries of the world*. Spain. Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Barzegar, K. (2006). *Foreign policy in new Iraq*. Tehran: Strategic Research Center. (in Persian)

- Calmet, J. (1989). *History of Spain*. translated by A. Moezzi, Tehran: Ashna.
- Dorty, L. (1968). *The land and people of Spain*. translated by Shamsuddin Masaheb. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Euronews network. (2017).
- Ghazi Shariat Panahi, A. (2001). *Essentials of constitutional rights*. Fourth ed., Tehran: Edalatghostar. (in Persian)
- Ghorbaninejad, R. (2008). *A comparative study of the model of self-government of Iraqi Kurdistan with the model of autonomy and eederalism*. Unpublished Master Thesis. Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Imani, N. (2000). *Referendum and its reason*. Tehran: Resalat Magazine. (in Persian)
- Isa Saleh, M. (2000). *The crisis of the great powers in Iraqi Kurdistan*. Tehran: Tavakoli.
- Jazayeri, A. (2017). *Iraqi Kurdistan referendum. Causes, positions and consequences*. Basair Magazine. Center for Strategic Studies. AJA Political Deputy. 53-80. (in Persian)
- Karami, J. (1997). Developments in Northern Iraq in the 1990s. *Defense Policy Quarterly*, (20-21). (in Persian)
- Khoobrooyi, M. (1998). *A critique of federalism*. Tehran: Shirazeh. (in Persian)
- Khoshakhlaq, M. (1998). *A critique of federalism*. Tehran: Shirazeh. (in Persian)
- Khosravi, A. (2014). An overview of independence tendencies in catalonia. Spain; Roots and Future Trends. *Journal of Identity Studies*, Vol. 1, (9), 59-52. (in Persian)
- Khosravi, A. (2016). An overview of separatist tendencies in Europe; Roots and Trends. *Quarterly Journal of Public Policy*, Vol. 6, (21), 145-164. (in Persian)
- McDowell, D. (2004). *Contemporary Kurdish History*. translated by E. Younesi. Tehran: Paniz.
- Moin, M. (2002). *Dictionary*. fourth ed., Tehran: Ensha. (in Persian)
- NRT TV network. (2017).
- Omidi, A. (2006). Receipt and expansion of the right to self-determination in international law. *Journal of the Vice President for Legal Affairs*, Year 35, 225-250. (in Persian)
- Rodavo News Agency. (2007).
- Simbar, M. (1999). Stateless nations in the world community. *Foreign Policy Quarterly*, Year 13, (4), 1108-1132. (in Persian)
- Spanish Television. (2017).
- Sputnik News Agency. (2017).
- The Guardian Newspaper. (2017).

- Walordo, F. (1989). *The millennial history of catalonia*. Translated by M. Ahmadi. UNESCO Message. (228). 28-40.
- Wassily, N. (1999). *Kurds and Kurdistan*. third ed. translated by M. Ghazi. Tehran: Tact Publishing Cultural Center.
- Xinhua News Agency. (2017).
- Zahmatkash, H. & Hekmatnejad, N. (2014). An autopsy of the cultural, linguistic and political movement of Catalonia. *Quarterly Journal of Politics*, Vol. 44, No. 2, 389-371. (in Persian)
- Zargar, A. (2006). Fighting Catalonia and New Nationalizations in Europe by Referendum Mechanism, *Diplomatic Fellowship*, Vol. 1, (4). (in Persian)